راه ممکن- راه درست و راه به شدت غلط

عادلی، محمد حسین

بودجه سال 1385 کل کشور در بدو ورود به کمیسیون تلفیق مجلس به درستی با تغییری اساسی رو به رو شد که‏ تا اندازه‏ای از نگرانی کارشناسانی که پیشتر به تورم‏زا بودن آن هشدار داده بودند کاست.در این راستا تنی چند از نمایندگان مجلس نیز با ارائه لایحه بودجه از سوی دولت به مجلس در این زمینه نامه رضا عبد اللهی رییس کمیسیون‏ برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی هشداری به موقع بود ضمن اینکه مرکز پژوهش‏های مجلس نیز نگرانی خود را از اثرات منفی بودجه در اقتصاد سال آینده به لحاظ تورم‏زا بودن و افزایش نقدینگی اعلام داشته بود.

در نخستین روز تشکیل کمیسیون تلفیق نرخ محاسباتی دلار برای بودجه سال آینده از 4/39 دلار برای هر بشکه نفت‏ به 5/34 دلار کاهش یافت که در واقع از بودجه 45 میلیارد دلاری سال 85 یک رقم 10 میلیارد دلاری کاسته شد.

گروه کارشناسی ماهنامه روند اقتصادی در میزگردی به بررسی مسائل و مشکلات بودجه تنظیمی پرداخته است. البته این نشست پیش از تغییرات نخستین در بودجه انجام شد.

بررسی شیوه‏های گوناگون مصرف مازاد درآمد نفت‏ راه ممکن،راه درست‏ و راه به شدت غلط

سید محمدحسین عادلی

پرسش‏های مهم اقتصادی روز چنین‏اند:آیا این‏ افزایش درآمد نفت امری مبارک است؟آیا با افزایش‏ درآمد نفت وضع اقتصادی کشور بهتر و رفاه مردم بیشتر می‏شود؟آیا ممکن است افزایش درآمد نفت موجب‏ نابسامانی اقتصادی شود؟و اگر پاسخ پرسش اخیر مثبت‏ است،چه راه حلی برای آن وجود دارد؟

با توجه به اینکه در این روزها در آستانه نهایی کردن‏ اولین بودجه دولت جدید با شعارهای جدید از سوی‏ نمایندگان مجلس شورای اسلامی هستیم،بررسی این‏ پرسش‏ها ضروری‏تر است.

با تاسیس یک موسسه مالی‏ در خارج می‏توان‏ سرمایه‏گذاری‏های درست‏ مالی انجام داد و سود مناسبی کسب کرد

نخست باید بر این امر تأکید کرد که افزایش بهای نفت‏ بی‏شک امری مبارک و میمون است.در این باره گفتنی‏ است که با وجود این افزایش‏ها،بهای نفت،به نرخ‏ واقعی،هنوز به قیمت سال 1980 نرسیده است.البته نباید فراموش کرد که افزایش کنونی در زمانی کوتاه رخ داده‏ است.دو سال پیش قیمت نفت در محدوده دامنه تعیین‏ شده از سوی اوپک یعنی 22 تا 28 دلار برای هر بشکه‏ دور می‏زد،ولی امروز از مرز 55 دلار فراتر رفته و در حدوده 60 تا 70 دلار در نوسان است.این افزایش قیمت‏ برای تولید کنندگان و صادر کنندگان نفت درآمد کلانی ایجاد و هزینه گزافی را به مصرف کنندگان تحمیل‏ می‏کند.

افزایش بهای نفت در گستره اقتصاد جهانی سبب‏ جابه‏جایی قدرت خرید شده،برخی تعادل‏های بازار جهانی را،دست کم در کوتاه مدت،بر هم می‏زند.بر هم‏ خوردن تعادل در بازارهای جهانی نیز،در میان مدت و بلند مدت،به نفع تولید کنندگان نفت نیست.در واقع از میان رفتن ثبات بازار نفت نیز بر اقتصاد انرژی تاثیر نهاده،مشکلاتی را برایک شورها به وجود می‏آورد.البته‏ باید افزود که چنانچه افزایش قیمت با شیبی آرام صورت‏ می‏گرفت،و بهای نفت تنها در ظرف دو سال دو برابر نمی‏شد،آثار کنونی را در پی نداشت؛زیرا بازار و اقتصاد انرژی به تدریج می‏توانستند خود را با شیب ملایم افزایش‏ قیمت هماهنگ کنند.

اما پرسش مهم‏تر آن است که آیا بالا رفتن قیمت نفت‏ و به تبع آن افزایش درآمدهای نفتی سبب بهبود شرایط اقتصادی کشور و افزایش رفاه مردم می‏شود یا خیر. پاسخ این پرسش لزوما ساده و مثبت نیست و به شرایط و عوامل مختلفی بستگی دارد.همچنان که اشاره شد اگر درآمد نفت به تدریج افزایش می‏یافت و ما نیز به تدریج‏ ساز و کارهای استفاده درست و منطقی از آن را تدوین‏ می‏کردیم کمتر جای نگرانی بود،اما اکنون که درآمد نفت در خلال مدت کوتاهی از حدود 25 میلیارد دلار به‏ حدود 50 میلیارد دلار افزایش یافته،نگرانی آن است که‏ سرازیر کردن همه این منابع به سوی اقتصاد کشور،و سیل نقدینگی و قدرت خرید اضافی ناشی از آن،تعادل‏ بازار و اقتصاد را بر هم بزند.در واقع کمتر کسی تردید دارد که استفاده یکباره و کوتاه مدت همه درآمد مازاد به‏ نابسامانی اقتصادی خواهد انجامید.رفاه کوتاه مدت و در مقابل افزایش نقدینگی و قدرت خرید،بالا رفتن نرخ‏ تورم،جابجایی قدرت خرید،بر هم خوردن تعادل میان‏ طبقات مختلف درآمدی و تعمیق شکاف میان آن‏ها، بی‏اثر شدن افزایش درآمد،جابه‏جایی و مهاجرت به‏ شهرها از جمله پیامدهای چنین وضعیتی هستند.

در این شرایط چه باید کرد؟این پرسش در اقتصادهای‏ کشورهای دیگر به آزمون گذاشته شده و دو پاسخ به آن‏ داده شده است:

نخست،حرکت،در مسیر داخل و تزریق مازاد درآمد به اقتصاد کشور؛

و دوم،پیمودن مسیر خارج و پرهیز از تزریق آن به‏ اقتصاد.

در مسیر داخل می‏توان حرکت در دو شاخه هزینه‏های‏ جاری و هزینه‏های سرمایه‏گذاری را متصور بود:اگر مازاد درآمد برای تأمین هزینه‏های جاری و افزایش حقوق‏ نگرانی آن است که سرازیر کردن همه این منابع‏ به سوی اقتصاد کشور، و سیل نقدینگی و قدرت خرید اضافی ناشی از آن، تعادل بازار و اقتصاد را بر هم بزند

و دستمزدها به مصرف برسد در کوتاه مدت تأثیر خود را از دست خواهد داد.زمانی نه چندان دور در کشور همسایه‏مان ترکیه،دستمزدها هر ماهه متناسب با ضریب‏ تورم اصلاح می‏شد و افزایش می‏یافت،ولی همزمان بر نرخ تورم نیز افزوده می‏گشت و این روند افزایش‏ دستزمدها را خنثی می‏کرد.از همین‏رو باید در هزینه‏ کردن مازاد درآمد در این بخش محتاط بود و کار را بر اساس محاسبات لازم انجام داد.

در بخش هزینه‏های سرمایه‏ای نیز آثار تورم‏زا بر همین‏ منوال،وی در ظرف زمانی طولانی‏تر بروز خواهد کرد. بخشی از این هزینه سرمایه‏ای نیز صرف پرداخت حقوق‏ و دستمزدها خواهد شد،که موجب افزایش قدرت خرید و تقاضا در بازار می‏شود،و بخش دیگر به خرید کالاهای‏ سرمایه‏ای می‏انجامد،که آن نیز قیمت این گونه کالاها را افزایش داده و به نوبه خود باعث تورم می‏شود.در نتیجه‏ باید گفت در هر دو بخش،هزینه‏ها باید به تدریج و برنامه‏ریزی شده و بر بستر شیبی ملایم افزایش یابد.

بدین ترتیب اگر گزینه تزریق افزایش درآمد نفت را به‏ درون اقتصاد کشور منتفی بدانیم،راهی جز حرکت در مسیر خارج باقی نمی‏ماند.یک راه استفاده از صندوق‏ موجود ذخیره ارزی است.البته چنان که پیداست‏ نگهداری این صندوق کاری بسیار دشوار است.در واقع‏ نمی‏توان پول در صندوق ارزی‏ داشت،شعار افزایش‏ رفاه سرداد،ولی به پول‏ها دست نزد.گر چه توسل‏ به این شیوه زمانی کارآیی‏ داشت،ولی اکنون بیشتر پدیده‏ای وسوسه انگیز است

نمی‏توان پول در این صندوق داشت،شعار افزایش رفاه‏ سرداد داد،ولی به پول‏ها دست نزد.صریح‏تر بگوییم: گر چه توسل به این شیوه زمانی برای کشور کارآیی‏ داشت،ولی اکنون بیشتر پدیده‏ای وسوسه انگیز است و از همین‏رو گزینه مناسبی به نظر نمی‏رسد.

گزینه دیگر جلوگیری از ورود درآمد اضافی به کشور و مصرف آن در همان خارج به نحوی است که اقتصاد ملی را ارتقاء بخشد.برای این کار دو روش وجود دارد:

اول،مصرف مازاد درآمد در سرمایه‏گذاری‏های‏ مختلف در بخش‏های سودآور و با بازده مناسب و مطمئن.انجام این نوع سرمایه‏گذاری نیازمند برنامه‏ریزی‏ درست و منسجم است.چنین سرمایه‏گذاری‏هایی باید از نظر اقتصادی هدفمند و مکمل اقتصاد ملی باشند.به‏ دیگر سخن باید به قدرت مانور ما در بازارهای خارجی‏ بیفزاید.

از سوی دیگر این نوع سرمایه‏گذاری باید با در نظر گرفتن مزیت‏های روابط اقتصادی بین المللی کشورمان‏ انجام شود.برای مثال لازم است در برخی رشته‏های‏ صنعتی و یا در بخش انرژی چنان برنامه‏ریزی کنیم که‏ سهم قابل توجهی از بازار جهانی در آن زمینه به ایران‏ اختصاص یابد.لازمه این کار نیز رقابت با برخی‏ شرکت‏های چند ملیتی بزرگ دنیا بر سر گرفتن سهام‏ بخش مورد نظر است.برای مثال اگر قصد داریم قدرت‏ خود را در بخش پتروشیمی افزایش دهیم باید به سراغ‏ خرید شرکت‏های پویای پتروشیمی برویم.

دوم،تشکیل یک موسسه مالی در خارج.در این گزینه، که برخی کشورها آن را تجربه کرده‏اند،مؤسسه مورد نظر می‏تواند در قالب یک صندوق توسعه عمل کند. سرمایه‏گذاری‏های درست مالی از این طریق می‏تواند سود سالانه مناسبی برای اقتصاد ملی ما به ارمغان آورد. به این ترتیب به جای تزریق مازاد درآمد نفت به اقتصاد کشور،می‏توان سود حاصل از سرمایه‏گذاری‏های مالی‏ را صرف بهبود اقتصاد کشور کرد.کویت از جمله‏ کشورهایی است که مبادرت به این کار کرده است.این‏ کشور صندوقی را در دهه 60 تشکیل داد که اکنون درآمد سالانه آن از میزان درآمد سالانه نفت کویت بیتشر است.

این موسسه مالی نه تنها وظیفه سرمایه‏گذاری‏ درآمدهای اضافی نفت را بر عهده خواهد داشت،بلکه‏ می‏تواند با ایجاد زمینه مناسب موجبات داد و ستدهای‏ مالی و حضور کشور و بنگاه‏های اقتصادی‏مان در بازارهای پولی و سرمایه‏ای جهان را فراهم کند.

آب،رمز حیات است،ولی اگر مقدار آبی که روانه مزارع‏ می‏شود کنتر نشود،محصول را یکسره از بین می‏برد.باید آب را مهار و تدریج و به قدر نیاز روانه مزارع کرد.